

انتظار موعود در آیین یهود



آرزوی ظهور یک مصلح، در همه مذاهب، امری مشترک و از اصول مسلم اعتقادی ادیان به شمار می‌رود. انتظار موعود، نه تنها در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام وجود دارد، بلکه در کتب یونان قدیم، افسانه‌های میترا، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی در مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت

نویسنده: محمد مهدی کریمی‌نیا

چکیده:

آرزوی ظهور یک مصلح، در همه مذاهب، امری مشترک و از اصول مسلم اعتقادی ادیان به شمار می‌رود. انتظار موعود، نه تنها در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام وجود دارد، بلکه در کتب یونان قدیم، افسانه‌های میترا، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی در مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت. علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات‌دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، موعود اسلام نیز قابل انطباق است. در این مقاله، با توجه به مهمترین کتاب یهود، یعنی تورات، انتظار موعود را بررسی می‌کنیم.

مقدمه

انتظار موعود، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان و از جمله دین یهود، از اهمیت خاصی برخوردار است. آرزوی ظهور یک مصلح بزرگ جهانی، در همه مذاهب مشترک بوده و از اصول مسلم اعتقادی این ادیان به شمار می‌رود. این امر، علاوه بر این که از تعالیم دینی کتب آسمانی، مانند تورات، انجیل و قرآن کریم به حساب می‌آید، از اموری است که به سرنوشت بشریت و تکامل انسان هم ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وقتی انسان ناامید می‌شود و می‌بیند که با وجود این همه ترقی و پیشرفت‌های فکری و علمی، روز به روز به فساد و تباهی بیشتری کشیده می‌شود و اختراعات و اکتشافات حیرت‌آور، نتوانسته انسان را از سردرگمی نجات دهد، بنا به فطرت ذاتی خود، متوجه درگاه خداوند بزرگ می‌شود و از او برای رفع ظلم، ستم و بحران‌های روحی و معنوی کمک می‌جوید.

از این رو، در همه قرون و اعصار، آرزوی موعود جهانی، در دل‌های خداپرستان وجود داشته است و این آرزو، تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه‌های یونانی، افسانه‌های میترا در ایران، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت. (2)

با مطالعه کتاب‌های آسمانی و تاریخ ادیان، به خوبی روشن می‌شود که عقیده به موعود و مصلح کل، اختصاص به شیعه یا اسلام ندارد، بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده مشترکند. پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که جهان را فساد، بیدادگری و بی‌دینی فرا گرفته، نجات‌دهنده‌ای بزرگ طلوع می‌کند و به واسطه نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد.

البته هر ملتی او را با لقبی مخصوص می‌شناسد؛ زرتشتیان او را به نام سوشیانس؛ یعنی نجات‌دهنده جهان، عیسویان به نام مسیح موعود، یهودیان به نام سرور میکائیلی و مسلمانان به نام مهدی موعود می‌شناسند.

هر ملتی نیز آن موعود نجات بخش را از خودش می‌داند؛ مثلاً زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند، عیسویان او را هم کیش خودشان می‌شمردند، یهودیان او را بنی‌اسرائیلی و از پیروان موسی می‌شمردند و مسلمانان او را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شمارند، که البته اسلام، به‌طور کامل و مشخص، این شخصیت جهانی و موعود کل را معرفی نموده اما در سایر ادیان چنین نیست.

نکته قابل توجه این که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات‌دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی، موعود اسلام؛ یعنی فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام نیز قابل انطباق است؛ زیرا می‌توان او را از نژاد ایرانی شمرد، چرا که مادر حضرت سجاد علیه السلام که جد امام زمان علیه السلام است، یک شاهزاده خانم ایرانی به نام شهربانو، دختر یزدگرد، پادشاه ساسانی بود. همچنین می‌توان او را از دودمان بنی اسرائیل شمرد؛ زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل، هر دو از نسل ابراهیم خلیلند؛ بنی‌هاشم از نسل اسماعیل و بنی‌اسرائیل از نسل اسحاق‌اند. با عیسویان نیز نسبت دارد؛ زیرا مادر حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) یک شاهزاده خانم رومی به نام نرجس بوده که به صورت شگفت‌انگیزی خود را به امام حسن عسکری علیه السلام می‌رساند. (3)

عشق به صلح و عدالت، در درون هر کسی وجود دارد. همه از صلح و عدالت لذت می‌برند و با تمام وجود، خواهان جهانی سرشار از صلح و عدالتند و بر همین اساس، همه اقوام و ملل، منتظر مصلح کلند.

بررسی دیدگاه ادیان آسمانی و بلکه همه مذاهب در مورد موعود و مصلح جهانی، بسیار قابل توجه است ولی مسلمانان کمتر به این مهم توجه کرده‌اند. وقتی بشریت به این مهم توجه پیدا نماید که عقیده به ظهور یک نجات‌دهنده فوق‌العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصدر وحی سرچشمه گرفته و همه پیامبران بدان بشارت داده و همه ملل در انتظار او هستند، در این صورت، مسلمانان بویژه شیعیان، به خیالبافی، عقاید خرافی و نظایر آن متهم نمی‌گردند.

در این گفتار، دیدگاه دین یهود - و نه همه ادیان آسمانی - درباره انتظار موعود و مصلح کل، مورد توجه قرار می‌گیرد که مهمترین منبع، همان تورات و تلمود، شرح و تفسیر قوانین یهود، خواهد بود. ناگفته نماند که ما در صدد اثبات مهدی موعود با استدلال به بشارتهای کتب قدیم نیستیم و اصولاً به آنها احتیاج نداریم، بلکه با مطالعه دیدگاه یهود - و البته ادیان آسمانی دیگر - در این زمینه، روشن می‌شود که عقیده به انتظار موعود و نجات دهنده فوق العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است. البته همان طور که بیان شد، مهمترین منبع مورد استناد در این مقاله، تورات و تلمود است؛ چه این که هدف ما بیان مساله انتظار موعود از دیدگاه یهود است. با این حال، از استفاده از کتب دیگر غفلت نورزیده‌ایم.

یهود؛ هنوز انتظار

شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پر فراز و نشیب یهودیت و مسیحیت موج می‌زند. یهودیان، در سراسر تاریخ محنت‌بار خود، هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت، درد و رنج رها کند، فرمانروای جهان گرداند.

در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست، خود بر پای خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد برآمده‌اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است. درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان، بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده‌اند، ولی سواد اعظم یهودیت، آن را از جان و دل پذیرفته و آن را رهگشای عصر مسیحا دانسته‌اند. هم اکنون صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعا‌های مسیحایی مرسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایار عبری)، پس از دمیدن در شیپور عبادت، اینگونه دعا می‌کنند:

«اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد.» (4)

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل، کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گرد آوردن برخی افراد ساده لوح، بر مشکلات آنان افزودند. اما در این میان، حضرت عیسی، مسیح بن مریم علیهما السلام ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی، دین بسیار بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بی‌شماری را به ملکوت آسمان رهنمون شد. مسیحیت نیز، بر اساس اندیشه انتظار پدید آمد و پس از رفتن حضرت عیسی مسیح علیه السلام پیوسته مسیحیان در سوز و گداز و شوق بازگشت دوباره وی، روزگار گذرانده‌اند. شوق و هیجان امید به ظهور آن حضرت، هنگام نزدیک شدن سال 1000 میلادی میان مسیحیان اوج گرفت. اکنون نیز در آستانه هزاره سوم میلادی، چنین وضعی در جوامع مسیحی مشاهده می‌شود.

نشانه‌های ظهور نزد یهود

یهود در کتابهای خودشان علائم و نشانه‌هایی را برای مصلحی که در انتظارش هستند، ذکر کرده‌اند که در این جا به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

- 1 - همه سبطهای ده‌گانه اجتماع کنند و در مقابل حکومت واحد از بیت داوود، خاضع می‌باشند.
 - 2 - یاجوج و ماجوج شکست می‌خورند.
 - 3 - کوه زیتون شکاف بر می‌دارد.
 - 4 - وادی مصر خشک می‌شود.
 - 5 - آبهای گوارا در اورشلیم و از بیت‌المقدس بیرون می‌آید.
 - 6 - ده نفر مرد از قومیت‌های مختلف دنیا به لباس یک یهودی می‌چسبند و از او التماس می‌کنند که با او باشند؛ زیرا اینان شنیده‌اند که خدا با یهود است.
 - 7 - شرورهای زمین نابود شوند؛ اینان نظرشان این است که مسیح علیه السلام نمی‌آید، مگر بعد از آن که بر دین بنی اسرائیل خروج کرده‌اند، از بین رفته باشند.
- به همین جهت، بر هر یهودی واجب است تا حد امکان کوشش کند که با سایر امتهای اشتراک نداشته باشند تا تمام قدرت و حکومت، فقط در اختیار یهود بماند. و قبل از آن که یهود به طور نهایی بر بقیه امتهای حاکم شود، باید جنگ به پا شود و ثلث دنیا نابود گردد و یهود، هفت‌سال پی در پی بماند و سلاح‌هایی را که بعد از پیروزی به دست آورده‌اند، بسوزانند. در چنین روزی است که یهود به بالاترین مرحله ثروت و سرمایه‌داری رسیده و همه اموال دنیا را مالک شده است و بزودی گنجهای اینان، خانه‌های بزرگی را پر می‌کند که برای حمل کلیدهای این خانه‌ها سیصد الاغ لازم است و این زمانی است که مردم دسته دسته به یهود داخل می‌شوند و همگان از آن استقبال می‌کنند. غیر از مسیحی‌ها که هلاک می‌شوند؛ زیرا آنان از نسل شیطانند. (5)

در تعالیم تلمود راجع به نشانه‌های ظهور مصلح یهود، چنین آمده است:

«بر هر یهودی واجب است که کوشش کند تا حکومت دنیا را به دست بگیرد و بقیه امم، با کمال خواری و ذلت قرار بگیرند و قبل از سلطه نهایی، باید جنگی به پا شود و دو ثلث عالم از بین برود و یهود، هفت‌سال باقی می‌ماند و سلاح‌هایی را که به دست آورده‌اند، می‌سوزاند و در این هنگام، دندانه‌های دشمنان بنی اسرائیل به اندازه 22 ذراع شده و از دهنها بیرون آمده است! زندگی یهود در این دوره، در جنگ با سایر امم است و بزودی مسیح حقیقی می‌آید و شخص منتظر، به پیروزی می‌رسد و مت‌یهود، به اوج سرمایه‌داری و ثروت می‌رسد؛ چون که مالک تمام املاک دنیا می‌شود؛ به طوری که برای حمل کلیدهای گنجهای آنان، حداقل سیصد الاغ لازم است.» (6)

با توجه به مطالب یاد شده، روشن می‌شود که اصل ظهور منجی جهان در نزد پیروان دین یهود، ثابت و مسلم است. در عین حال، بغض و کینه آنان نسبت به همه ادیان و مخصوصاً مسیحیت قابل انکار نیست. از آرزوهای یهود آن است که از طریق ظهور موعود منتظر، بر همه بشریت مسلط شوند و همه ملل و اقوام دنیا، تسلیم یهود و تحت استعمار آنان باشند. توجه به این نکته ضروری است که مساله منجی جهانی، صبغه یهودیت یا نژاد یهودی ندارد.

جنگهای مذهبی و نشانه‌های ظهور

در آغاز قرن هفدهم، نشانه‌های بیشتری برای نزدیک بودن قطعی عصر مسیحایی مشاهده شد. چندین جنگ مصیبت‌بار و شرم‌آور، میان کاتولیکها و پروتستانها در اروپا در گرفت که به نظر می‌رسید آنها دوران مصیبت‌بار قبل از عصر مسیحا را محقق می‌کنند و جنگهای سی ساله، (1618 - 1648) اوج آنها بود. در آغاز، جنگی میان شهریاران کاتولیک و پروتستان آلمان رخ داد و بتدریج، تمام قدرتهای اروپا را درگیر کرد و سرانجام، آشوب و در هم ریختگی در همه ممالک، بالا گرفت. گرچه در این دوران خونین، یهودیان آزار ویژه‌ای ندیدند و شاید برخی از مسیحیان به آنان توجه بیشتری کردند، ولی بسیاری از جوامع یهودی ویران شدند و بر اثر آشفتگی عمومی حاکم بر اروپا، برخی زیانهای مادی برای آنان به بار آمد.

آزادی یهود و تقویت آرمان ظهور

در تاریخ یهود، همیشه وجود آشوبها و جنگهای بزرگ، اندیشه انتظار موعود را تقویت نکرده است، بلکه در مواردی که با یهودیان خوش رفتاری شده و پستهای مهم را اشغال کرده‌اند، این آرمان تقویت شده است. جولیس کرینستون در این باره می‌گوید:

«یک امر شگفت‌آور این که همین آزادی و خوش رفتاری با یهودیان در بسیاری از کشورها و نیل آنان به مقامهای بلندی در شوراهای شهر و امور مالی و اقتصادی جهان از دیدگاه طبقه دیگری از یهودیان، نشانه نزدیک شدن عصر مسیحایی (عصر ظهور) تلقی شد. یهودیان ستم‌دیده اروپای شرقی، طبعاً برای رهایی سریع اشتیاق داشتند و دعا می‌کردند. پیر و جوان، افسانه‌های مسیحا و شگفتی و شکوه آمدنش را می‌گفتند. به دست آوردن حق شهروندی و امتیازات سیاسی، در نظر آنان به اندازه بازگشت کامل دولت قدیم تحت رهبری مسیحای آرمانی که «مسح شده» خداست، اهمیت نداشت. رنجهای تبعید، عرصه را بر ایشان تنگ کرده بود و برای رهایی خود از آن وضعیت نکبت‌بار، جز از طریق حوادث فوق طبیعی، چشم‌اندازی نداشتند. هنگامی که اخبار درخشیدن بزرگان و سیاستمداران یهود به این جوامع رسید (و غالباً به شکل مبالغه‌آمیزی نقل می‌شد که قدرتهای حاکم در اروپا به برادران ایشان علاقه نشان می‌دهند)، مفاهیم بی روح یک مسیحا و یک عصر مسیحایی، شکل دقیقتری بر خود می‌گرفت. اندیشه رهایی از تنگنای موجود به وسیله جریان طبیعی به طور ناخودآگاه با امید مبهم دوران مسیحایی در هم می‌آمیخت.

آزادی یهودیان در کشورهای اروپای غربی، مقدار معینی از خود آگاهی و غرور ملی را در دل‌های یهودیان مشرق برانگیخت و معماران بعد، پایه‌های جنبش ملی بزرگ یهودیان یعنی؛ صهیونیسم را بر آن بنا کردند. (7)

از نظر این نویسنده، عده قلیلی از یهودیان بر این عقیده بودند که با تشکیل رژیم اسرائیل در سرزمینهای مقدس، زمینه‌ساز ظهور مسیح خواهند بود. از این رو، احساسات یهودیان را برای سرزمین مقدس برانگیختند و ثروتمندان را برای ایجاد آبادیهای یهودینشین، تشویق کردند.

در مقابل، عده کثیری از یهودیان، عقیده یاد شده را رد می‌کردند و عقیده داشتند که نجات، تنها از طریق دخالت مستقیم خدا به دست می‌آید، سرعت‌بخشیدن به دوران رهایی از طریق ایجاد مهاجرنشین‌های یهودی در فلسطین، نقض آشکار شریعت به شمار می‌رود. (8)

در این میان، نباید از نقش استعمارگران در مساله فلسطین غفلت ورزید. آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای اروپایی، در تاسیس این غده سرطانی در قلب کشورهای اسلامی تلاش گسترده‌ای داشتند. اکنون نیز این حمایتها، در ابعاد سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی ادامه دارد؛ برای مثال، آمریکا سالانه حدود چهار میلیارد دلار به صورت کمک بلا عوض در اختیار این رژیم قرار می‌دهد.

یهود؛ انتظار مسیح علیه السلام و محورهای آن

از برخی تعالیم دین یهود روشن می‌شود که شخص منجی و موعود منتظر، کسی جز حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیست و در واقع، این عقیده، یکی از اشتراکات این دین، با مسیحیت می‌باشد. «توماس میشل» در این باره می‌گوید:

«تعالیم انبیا، در بر افروختن آتش شوق قیام مسیح در دل‌های قوم عهد عتیق (یهودیان) تاثیر بسزایی داشت؛ خدا قوم خود را در حالت نکبت و ذلت‌بافی نخواهد گذاشت بلکه خود او کسی را مسح کرده، برای نجات مردم خواهد فرستاد (عنوان «مسیح» از اینجا می‌آید). از کتابهای نبوت معلوم می‌شود که آرزوی آمدن مسیح بر گرد سه محور اساسی می‌چرخید که البته این محورهای سه‌گانه به گونه‌ای مشخص از یکدیگر جدا نشده‌اند:

محور اول: مسیح پسر داوود

برخی از انبیا، مانند حزقیال و ملاکی، اعلام داشتند که خدا بزودی یک مسیح را از نسل داوود برای بازگرداندن شکوه بنی‌اسرائیل خواهد فرستاد. انتظار می‌رود که مسیح یاد شده، قوم خود را از دست حاکمان مشرک رهایی بخشد و قدرت شریعت‌خدا را برای گروه کوچکی که در زمان تنگی، وفادار و مطیع فرمان خدا باقی خواهند ماند، بسط و اعتلا ارزانی کند. در این سلطنت (یا ملکوت) جدید، عدالت و نیکی به مستمندان و پرستش درست و خالصانه خدا، حکمفرما خواهد بود. خدا نیز از طریق مسیح خویش، بر قوم خود حکومت خواهد کرد.

برخی از انبیا مژده دادند که این سلطنت تنها برای یهود نیست، بلکه همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد .

محور دوم: بنده خدا

اشعیای نبی از «بنده خدا» که خواهد آمد، سخن گفته است: وی به دور از هر قدرت نظامی و اقتصادی و هر شکوه ظاهری و نفوذ کلمه خواهد آمد . همچنین او از روی ایمان و تسلیم به اراده خدا، مخالف هر گونه شدت عمل، دارای صبر و بردباری برای تحمل دردها و ستمها خواهد بود و با تحمل بار گناهان قوم، همچون وسیله‌ای برای نجات، عمل خواهد کرد .
محور سوم: پسر انسان

این شخصیت پیچیده، در کتاب دانیال آمده است . آن کتاب، به شیوه ادبی مکاشفات نوشته شده و فهم شیوه مذکور بسیار دشوار است؛ زیرا اشکال و رموز پیچیده و ناآشنایی در آن وجود دارد . ادبیات مکاشفه، به دوره‌ای از تاریخ یهود تعلق دارد که قوم، زیر ستم بود و به همین دلیل، آمال و آرزوهای خود را در قالب اشارات و رموز بیان می‌کرد .
نوشته‌های مکاشفه، از «روز خداوند» سخن می‌گوید و این که خدا برای اصلاح مفسد و اشرار و رهایی بخشیدن به کسانی که بر ایمان خود استوار مانده‌اند، در جهان وارد عمل می‌شود . به گفته ادبیات مکاشفه، به نشانه فرا رسیدن روز خداوند، «پسر انسان» از آسمان فرو خواهد آمد و ملکوت الهی را بر پا خواهد ساخت .» (9)

بحران پیش از ظهور از نظر یهود

از نظر یهود، دوران پیش از ظهور، همراه با ستم به قوم بنی اسرائیل خواهد بود . امتهای در ستم کردن به بنی اسرائیل بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت و هر گرفتاری تازه، چنان شدید خواهد بود که گرفتاریهای قبلی را از یادها خواهد برد .
گفته‌های یهود در این باره، قدری خرافه گونه است و بعضی از مطالب بیان شده، با افسانه‌های کتب قدیم شباهت بیشتری دارد، هر چند این مطالب مربوط به دوران پیش از ظهور، از کتاب مقدس یعنی تورات اخذ شده است .
جولیوس کریستون می‌گوید:

«پیش از آمدن مسیحا، یک ستون آتش در جهان ظاهر خواهد شد و چهل روز در برابر چشمان اقوام روی زمین، بر پا خواهد بود . آنگاه، مسیحای پادشاه، برای حرکت از مکانی در فردوس به نام «لانه گنجشک» فرمان خواهد یافت . او نخست در ایالت «جلیل» ظاهر خواهد شد؛ زیرا جلیل نخستین ناحیه‌ای بود که به دست رومیان ویران گردید . یک ستاره تابان در آسمان ظاهر خواهد شد و هفت ستاره دیگر، آن را محاصره خواهند کرد . آنها به مدت هفتاد روز، روزی سه بار با آن ستاره تابان خواهند جنگید و هر شب، بلعیده و هر صبح، بیرون افکنده خواهند شد . پس از هفتاد روز، آن ستاره از میان خواهد رفت . مسیحا در ستون آتش مذکور پنهان خواهد شد و به دوازده ماه، نامرئی خواهد بود . سپس وی را به آسمان برده، تاج پادشاهی بر سر او خواهند گذاشت و تمام قدرت و شوکتیک پادشاه را به او عطا خواهند کرد . آنگاه، وی به زمین فرود خواهد آمد و ستون آتش، دوباره مرئی خواهد شد . مسیحا در سراسر عالم معروف خواهد گردید و ملت‌ها، همراه با بسیاری از یهودیان بی ایمان، با او به جنگ برخوانند خاست . سپسدر سال 73 از ششمین هزاره آفرینش جهان (1313 میلادی)، تمام اقوام در رم گرد خواهند آمد و خدا بر آنان باران آتش، تگرگ و سنگ فرو خواهد ریخت و ایشان به استثنای پادشاهانی [؟] که به رم نیامده‌اند، هلاک خواهند شد . این پادشاهان نیز خواهند خواست با مسیحا جنگ کنند و [فرزندان] اسماعیل در محاصره کردن اورشلیم به آنان خواهند پیوست . اما «او که بر آسمان نشسته است، می‌خندد .» بسیاری در پرستش خدا با یهودیان همراه خواهند شد و بدینگونه، خلقت تازه‌ای خواهند یافت؛ زیرا خدا ارواح تازه‌ای برای بازماندگان ایجاد خواهد کرد و آنان را برای ورود به هزاره هفتم آماده خواهد ساخت .» (10)

کیفیت ظهور مصلح یهود

همان طور که گذشت، یکی از اعتقادات یهود، ظهور مصلح در آخرالزمان است . اوست که اخلاق فاسد مردم را تطهیر کرده و اصلاح می‌نماید . یهود منتظرند که قائمی از اولاد داوود پیغمبر علیه السلام ظهور کند؛ به طوری که اگر لبه‌ایش به دعا حرکت کند، تمام امتهای نابود شوند و این موعود منتظر، به گمان یهود، همان مسیح است که وعده او به یهود داده شده است . (11)
همچنین، در باب کیفیت ظهور مصلح یهود، در تعالیم این دین، از قول یکی از پیامبران‌شان به نام اشعیای چنین آمده است:
«بزودی کسی از اصل و نسب ابی داوود خروج، و روح رب بر او حلول می‌کند و روح حکمت و فهم و قدرت و معرفت‌خوف رب بر او حاکم می‌باشد . او به نفع بیچارگان، حکم به عدل می‌کند و بر آنان انصاف می‌نماید و منافق را نابود می‌کند و امنیت و آرامش برقرار خواهد کرد؛ به طوری که همه براحتهی و در کنار هم زندگی می‌کنند .» (12)

فراوانی نعمت، بعد از ظهور مصلح یهود

یهود معتقد است که بعد از ظهور مصلح، نعمتهای گسترده، همه جای زمین را می‌گیرد و حیات و زندگی مردم، قرنها طول می‌کشد؛ به طوری که قد یک مرد به مقدار دویست ذراع می‌شود .

نیز معتقدند زمین اسرائیل بزودی نان و قماش می‌رویانند و بوته گندم، مانند درخت‌خرما در لبنان بلند می‌شود و بزودی هوا را می‌وزاند تا آن را آرد خوب و نرم قرار دهد .

و نیز زمین اسرائیل «فطیر» می‌دهد و هر دانه‌ای هزار دانه بار می‌آورد و شراب، فراوان می‌شود و بوته انگور، حاصل زیاد می‌آورد و ساختمان اورشلیم به اندازه سه میل ارتفاع پیدا می‌کند و دربهای آن از لؤلؤ و سنگهای اصیل است که هر ضلع آنها سی ذراع می‌باشد .

فقر از بین می‌رود و مردم تندرست می‌شوند و به فضیلت گرایش پیدا می‌کنند و عدالت و صداقت و صلح، حاکم می‌گردد و این زمان است که یهود بر تمام دنیا مسلط می‌شود و همه امتهای برای آن مسیح، تسلیم می‌شوند و هر فرد یهودی، 2800 نوکر

دارد که او را خدمت کنند! (13)

نگاهی به تورات

در ارتباط با جهان آینده، به برخی از آیات تورات استناد شده است. از مجموع این عبارات، این نکته استفاده می‌شود که از نظر یهود، جنگها و سختیهای فراوانی فرا روی بشر است. عده‌ای رستگار و عده بیشتری بدبخت و نابود می‌گردند. اگر چه مشکلات و دشواریهای فراوانی برای قوم یهود و پیروان حقیقی این آیین وجود دارد، اما در نهایت، رستگاری و نجات در انحصار یهودیان خواهد بود.

در تورات می‌خوانیم:

«و در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز، نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت‌شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی.» (14)

و در جای دیگر از تورات، می‌خوانیم:

«ای امتی که حیا ندارید! فراهم آید و جمع شوید، قبل از آن که حکم نتاج بیاورید و آن روز مثل کاه بگذرد، قبل از آن که حدت خشم خداوند بر شما وارد آید، قبل از آن که روز خشم خداوند بر شما برسد. ای جمیع حلیمان زمین که احکام او را به جا می‌آورید! عدالت را بطلبید و تواضع را بجوید، شاید که در روز خشم خداوند مستور شوید؛ زیرا که غزه متروک می‌شود و اشقلون ویران می‌گردد و اهل اشدود را در وقت ظهر اخراج می‌نمایند و عقرون از ریشه کنده می‌شود. وای بر امت کریتیان که بر ساحل دریا ساکنند. ای کنعان، ای زمین فلسطینیان! کلام خداوند به ضد شماست و من تو را چنان هلاک می‌کنم که کسی در تو ساکن نخواهد بود... و ساحل دریا برای بقیه خاندان یهودا خواهد بود تا در آن بچرند.» (15)

در دنیای آینده و در زمان موعود منتظر، نعمتهای فراوانی روی زمین به وجود خواهد آمد؛ چیزی که قبلا سابقه نداشته است. البته همان طور که قبلا بیان گردید، از نظر یهود، این نعمتها فقط برای پیروان یهود خواهد بود.

«و بار دیگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید؛ زیرا که یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود.» (16)

«و واقع خواهد شد که هر ذی‌حیات جنبنده‌ای در هر جایی که آن نهر داخل شود، زنده خواهد گشت (شفا خواهد یافت).» (17)

در آن زمان، درختان وادار می‌شوند تا هر ماه میوه آورند و انسان از آن میوه‌ها می‌خورد و شفا می‌یابد:

«و بر کنار نهر به این طرف و آن طرف، هر قسم درخت‌خوراکی خواهد رویید که برگهای آن پژمرده نشود و میوه‌های آنها لاینقطع خواهد بود و هر ماه میوه تازه خواهد آورد؛ زیرا که آبش از مقدس جاری می‌شود و میوه آنها برای خوراک و برگهای آنها به جهت علاج خواهد بود.» (18)

همچنین در آن زمان، صلح جاویدان در سراسر طبیعت حکمفرما خواهد شد:

«گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و گاو پروار با هم (خواهند زیست) و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو بر خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو، گاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و کودک از شیر باز داشته شده، دست‌خود را بر لانه افعی خواهد گذاشت.» (19)

از نظر تورات، دورانی از صلح پایدار و بی‌زوال و شادمانی و خرسندی پدید خواهد آمد. در جهان کنونی، انسان بنایی را می‌سازد و دیگری آن را فرسوده می‌کند. کسی نهالی را می‌نشاند و دیگری میوه آن را می‌خورد، اما در مورد جهان آینده، چنین می‌خوانیم:

«آنها بنا نخواهند کرد تا دیگری در آن ساکن شود و (درخت) غرس نخواهد کرد تا دیگری (میوه آن را) بخورد... رحمت بیهوده نخواهند کشید و اولاد به جهت وحشت و اضطراب به دنیا نخواهند آورد.» (20)

پی نوشت ها:

- 1) محمد مهدی کریمی‌نیا: مدرس دانشگاه، کارشناس ارشد حقوق بین الملل، محقق و نویسنده.
- 2) ر. ک. :. علی دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد 13 بحار الانوار)، ص 178.
- 3) ر. ک. :. حبیب‌الله طاهری، سیمای آفتاب، مشهور، قم، 1378، صص 125 - 126.
- 4) جولوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1377، ص 13.
- 5) البرهان، ج 1، ص 28 و قصة الادیانات، ص 376. به نقل از باقر شریف قرشی، زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی (عج)، ترجمه ابوالفضل اسلامی، فقاقت، قم، 1376، صص 241 - 242.
- 6) اسرئیل و تلمود، ص 60. به نقل از: باقر شریف قرشی، پیشین، ص 243.
- 7) جولوس کرینستون، پیشین، ص 164.
- 8) همان، صص 164 - 165.
- 9) توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1377، صص 37 - 38 و نیز در مورد

- پسر انسان مراجعه کنید به: محمد طی، المهدي المنتظر بين الدين و الفكر البشري، الغدير، بيروت، 1999 م . ، ص 61 .
- (10) جوليوس كرينستون، پيشين، صص 113 - 112; مزامير، 2: 4 .
- (11) باقر شريف قرشي، زندگانی خاتم الاوصياء امام مهدي (عج)، ص 133 .
- (12) همان، ص 122 .
- (13) همان، ص 244; البرهان، ج 1، صص 3 و 129; التلمود; تاريخه و تعاليمه، صص 61 - 60; قصة الديانات، ص 376; مسيح في القرآن و التوراة و الانجيل، ص 526 .
- (14) تورات، كتاب دانيال نبی، باب 3/12 - 1 .
- (15) همان، كتاب صغياي نبی، باب 7/2 - 1 .
- (16) همان، كتاب اشعياي نبی، باب 19/60 .
- (17) همان، كتاب حزقيال، باب 9/47 .
- (18) همان، كتاب حزقيال نبی، باب 12/47 - 11 .
- (19) همان، كتاب اشعياي نبی، باب 6/11، 7 و 8 .
- (20) همان، اشعياي نبی، باب 23/22 - 22; راب، دكتور، ا، كهن، گنجينه‌ای از تلمود، ترجمه امير فريدون گرگانى، زيبا، تهران، 1350، صص 370 -